



شهید اردشیر (سعید) شبانی قهرودی

ولادت: ۱۳۴۴/۴/۵، استان تهران

پذیرش در رشته دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی

شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۵، شلمچه، عملیات کربلای ۴

آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۲۹، ردیف ۳۸، شماره ۲۴

زندگی نامه

شهید سعید شبانی قهرودی در پنجم تیر ۱۳۴۴ در شهر تهران به دنیا آمد. وی از اوان نوجوانی در جلسات قرآن شهید عباسعلی ناطق نوری همراه با پدر و برادر شرکت می کرد و دوران انقلاب را در حالی گذراند که بیش از سیزده سال نداشت. پس از انقلاب نیز در کارهای مذهبی و سیاسی بسیار فعال بود. هنگامی که فرمان امام خمینی مبنی بر حضور در جبهه ها را شنید، بعد از یادگیری فنون نظامی در پادگان امام حسین (ع)، همراه برادر عازم جبهه شد. او در عملیات والفجر ۱ در سال ۱۳۶۲ مجروح شد و برادرش نیز به فیض شهادت نائل آمد. پس از بازگشت از جبهه به فعالیت های خود در دادستانی انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و بسیج مسجد حضرت علی (ع) (پایگاه شهید بهشتی) شدت بخشید.

بعد از دریافت دیپلم تجربی در کنکور سال ۱۳۶۳ شرکت کرد و در رشته دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی پذیرفته شد. با این حال به حرکت های مذهبی - سیاسی خود ادامه داد و جای برادر را در مسجد، حزب جمهوری اسلامی و دادستانی پر کرد. در اواخر سال ۱۳۶۴ برای سومین بار در سنگرهای نظامی حضور یافت و پس از بازگشت بر حسب وظیفه اسلامی در شورای بسیج اقتصادی محل نیز به فعالیت پرداخت.

در تابستان ۱۳۶۵ دوباره عازم میادین نبرد شد و تا هنگام شهادت در جبهه ماند؛ تا این که در پنجم دی ماه همان سال در شلمچه و عملیات کربلای ۴ به شهادت رسید.^۱

فرازی از وصیتنامه

این جا هر شب ذکر حسین (ع) است، ذکر حسین که در کربلا به همگان آموخت که نباید تن به ذلت داد و پذیرش مشکلات تا سر حدّ از دست دادن عزیزان و شهادت در راه آن بهتر از زندگی با ننگ پذیرش ذلت و خواری است.

آری، اینان درس آموزان همان مکتب هستند. حسین جان! در راه کربلایت چه خون‌ها که ریخته شد و چه عزیزانی که جان خویش را فدا کردند. در کربلایت مظلومانه لیکن مردانه جنگیدی، عزیزان ما نیز همه اینک در جبهه‌ها تاب و توان از دشمن متجاوز گرفته‌اند.

همه را به اطاعت از امام وصیت می‌کنم، اگر چه با خواسته‌های شخصی ما مطابق نباشد. از مسیر سعادت در دنیا و عقبی که در سایه اطاعت از امام پیش می‌آید، منحرف نشوید. در مسائل مربوط به اجتماع و حکومت اسلامی خود را مسئول بدانید. مبدا سستی و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل پیشه کنید. در امور سیاسی سعی کنید تقوای الهی را رعایت کنید و خدا را ناظر به اعمال و گفتار خویش بدانید و با آگاهی و واقع‌بینانه با مسائل برخورد کنید.

به دوستانم در دانشگاه سفارش می‌کنم که با مطالعه عمیق دروس بکوشند، ایران عزیز را از وابستگی به اجانب و دشمنان رها سازند. در طی تحصیل علم به سلاح اخلاق و مکارم اسلامی مجهز گردند؛ زیرا علم بدون حصول اخلاق موجب فساد و تباهی انسان می‌گردد. در مسائل مربوط به دانشگاه چه سیاسی و چه اجتماعی دخالت داشته باشید. مبدا سرگرمی به تحصیل شما را از مسیر انقلاب و اسلام دور نماید.

برادران و خواهرانم را سفارش می‌کنم که در مسیر اسلام اصیل قدم بردارند و در راه انقلاب از هیچ کوششی دریغ نکنند و اصل را خدمت به جامعه اسلامی در راه رضای خدا بدانند.

خداوند را به جهت لطف بی‌کران به خانواده‌ام شکر می‌کنم و سپاس می‌گویم که مرا راهنمایی کرد و از او تقاضا دارم که مرا در کنار خود و هم‌نشین برادر و دیگر دوستان شهیدم گرداند.